رسانه و سینما

انقلاب مخملی رادیو جوان ۱۶
دنیای یک معلم ناموفق ۱۷

ادبیات و کتاب

شاید یک چیز دود شدنی نباشد .. ۱۸
بیدار باش قافله‌ای می‌زند جرس .. ۱۹

حکمت و اندیشه

بازخوانی مفهوم طبقه در ایران ... ۲۰
دست پخت راتلج ۲۱

تاریخ مشروطه

حذف مخالفان استقرار کودتاچیان .. ۲۲

چرا آتش بس پرفروش شد؟

جنس جور یک سینمای پیش بینی ناپذیر

مهدی طاهباز

۵۰۰، ۶۰۰، ۷۰۰، ۸۰۰، ۹۰۰، و...! اگر تبلیغات و آگهی‌های فیلم آتش‌بس را در چند هفته اخیر دیده باشید، حتماً چشم‌تان به این اعداد و ارقام که پشت سر هم ردیف شده‌اند، افتاده است.

آخرین ساخته تهمینه میلانی در کمال ناباوری بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران سینمای کشور، رکوردهای فروش را هفته به هفته پشت سر گذاشت. از ۵۰۰ میلیون گذشت و «دوئل» را گرفت، از ۶۰۰ میلیون عبور کرد و «کما» را گرفت و در نهایت با رسیدن فروشش به مرز ۸۰۰ میلیون تومان رکورد «مارمولک» را هم شکست. حالا هم با رسیدن به مرز ۹۰۰ میلیون تومان برای رسیدن به رکورد رویایی یک میلیارد تومان فروش در اکران اول تهران دورخیز کرده است. چه سینمای میلانی را دوست داشته باشیم و شعارهای ضدمردش را بپسندیم و چه فیلم‌های او را بیانیه‌هایی یک طرفه و شعارآمیز بدانیم، به هر حال فیلم او توانسته است فاتح گیشه تمام دوران‌های سینمای ایران باشد و عنوان پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران (و نه پرمخاطب‌ترین) را از آن خود کند.

میلانی فیلم جدیدش را در مدت زمان معقولی از نظر تولید سینمای ایران ساخت و آماده نمایش کرد. در حالی که به نظر می‌رسید همانند همیشه فیلم جدید میلانی یکی از حاضران بخش مسابقه جشنواره فجر باشد، اما «آتش‌بس» به مذاق هیات انتخاب جشنواره خوش نیامد و فیلم او روانه بخش مهمان شد. میلانی هم فیلمش را به جشنواره نداد تا برای اکران عمومی بکر و دیده نشده باقی بماند. سرانجام «آتش‌بس» در خردادماه امسال بر پرده رفت و به فروش خیره‌کننده‌ای دست یافت. فروشی که شاید کمتر کسی آن را پیش‌بینی می‌کرد و حتی شاید در رویای سازندگان فیلم هم نمی‌گنجید.

در سینمای ایران پیش‌بینی میزان مخاطبان یک فیلم و مقدار فروش آن در بسیاری موارد غیرممکن بوده است. زمانی فیلمی مانند «بله برون» تبدیل به یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های سال می‌شود، که با هیچ یک از معیارها و فاکتورها نمی‌توان آن را توجیه کرد. در عین حال در زمانی دیگر آثاری مانند «گل یخ»، «رستگاری در ۸/۲۰ دقیقه»، «سالاد فصل»، «ملاقات با طوطی»، «هشت‌پا» و... که امید فراوانی به جذب گسترده مخاطب از آنها می‌رود، در گیشه شکست می‌خورند.

شاید اگر دلایلی که در ادامه به عنوان عوامل پرفروش شدن فیلم «آتش‌بس» ذکر می‌شوند، پیش از اکران فیلم به عنوان بهانه‌هایی که ممکن است منجر به جذب تماشاگر شوند، مطرح می‌شدند، هیچ‌کس آنها را جدی نمی‌گرفت.

■ بازیگران معروف و محبوب

اگر مغازه‌ای از یک ویترین خوب برخوردار باشد، حتماً مشتری را به سمت خود جلب خواهد کرد و اگر مشتری به داخل مغازه وارد شود و کیفیت و جذابیت اجناس داخل مغازه هم به اندازه ویترین باشد، او دست‌خالی بیرون نخواهد رفت و حتماً وسیله‌ای و یا جنسی را خواهد خرید.

از قدیم گفته‌اند که بازیگران ویترین یک فیلم سینمایی هستند. اگر ویترین درست چیده شود، با درصد بالا تماشاگر وارد سینما خواهد شد. در اینجا دیگر کیفیت فیلم نقش چندانی را ایفا نمی‌کند چون تماشاگر در هنگام ورود پول بلیت را پرداخته است و در پایان هم قرار نیست به کسانی که از فیلم خوششان نیامده پولشان را پس بدهند! پس فیلمی که بازیگران معروف و محبوب دارد می‌تواند تا حدودی فروش را تضمین کند. اگر خود فیلم هم به جذابیت بازیگرانش باشد که تهیه‌کننده و فیلمساز به خواسته‌اش رسیده و اگر خود فیلم چیز زیادی برای عرضه نداشته باشد، به مدد همان بازیگران و ویترین جذابش می‌تواند گلیم‌اش را از آب بیرون بکشد و در گیشه به حداقل‌هایی از خواسته سازندگان برسد. «آتش‌بس» یک زوج معروف و محبوب دارد. سابقه نشان داده که محمدرضا گلزار و مهناز افشار زوجی تماشاگرپسند هستند و سه فیلم قبلی آنها (کما، زهرعسل و سیزده گربه روی شیروانی) همگی فروش خوبی داشته است. در دو سال اخیر محمدرضا گلزار کمتر روی پرده سینما دیده شده مهناز افشار هم به نسبت همین طور است. پس مسلماً استفاده از یک زوج جواب پس داده، آن هم در شیک‌ترین شکل ممکن می‌تواند تماشاگر را به سینما بکشاند. تماشای ستاره‌های سینما روی پرده عریض آن هم با ظاهری جذاب و مطابق مد روز مسلماً یکی از عوامل مهم جذب تماشاگر خواهد بود. شک نکنید.

■ فضای شیک و مدرن

در «آتش‌بس» از طراحی صحنه گرفته تا انتخاب نوع پوشش بازیگران و حتی لوکیشن‌های فیلمبرداری نوعی شیکی و مدرن بودن به چشم می‌خورد. تماشاگر امروز سینمای ایران دیگر تمایلی به دیدن فضاهای چرک ندارد. او ترجیح می‌دهد طی یکی دو ساعتی که وقتش را در سینما می‌گذراند، به تماشای یک زندگی مدرن، شیک و امروزی بنشیند تا اینکه فقر و بدبختی را بر پرده سینما شاهد باشد. در «آتش‌بس» نیز فضاها شیک و امروزی‌اند. اکثر سکانس‌ها داخلی است و ماجرا در فضاهای تر و تمیز می‌گذرد. ماشین‌ها مدل بالاهستند و لباس‌های بازیگران رنگارنگ و خوش‌دوخت است. همین‌ها می‌تواند باعث جذب تماشاگر باشد.

■ فیلم زن و شوهری

در سینمای ایران کمتر اتفاق افتاده که فیلمی به اتفاقات زندگی یک زوج جوان پس از شروع زندگی مشترک بپردازد. اکثر فیلم‌هایی که با حضور ستارگان جوان ساخته می‌شوند به عشق و عاشقی‌های قبل ازدواج وکشمکش‌ها و مسائل مربوط به آن می‌پردازند و کمتر فیلمی است که به رابطه یک زوج جوان پس از شروع زندگی مشترک مربوط شود. «آتش‌بس» بهترین استفاده را از این خلأ کرده است. الگوی زندگی یک زوج جوان با استفاده از ستاره‌ها در نقش‌های اصلی در فیلم‌های آمریکایی جواب خوبی داده است. فیلم‌های متعددی با حضور ستاره‌های جوان و محبوب ساخته شده‌اند که به زندگی یک زوج جوان می‌پرداخته‌اند. به هر حال مسائل و سوژه‌های بسیاری هم در زندگی وجود دارند که پس از ازدواج به وجود می‌آیند و روایت آنها در سینما می‌تواند برای تماشاگر جذاب و دیدنی باشد. البته تهمینه میلانی تاکنون بارهای از این سوژه استفاده کرده و زندگی زوج‌های جوان را دستمایه ساخت فیلم قرار داده است. اما «آتش‌بس» یک تفاوت عمده با سایر آثار او دارد که به همین دلیل پرفروش می‌شود. «آتش‌بس» یک فیلم کمدی است.

■ کمدی بساز و بفروش

مطمئن باشید اگر تهمینه میلانی لحنی به غیر از طنز را در فیلمی مانند «آتش‌بس» انتخاب می‌کرد و فیلم را در فضایی عصبی به تماشاگر عرضه می‌کرد، آخرین فیلمش فروش متفاوتی با سایر آثارش نداشت؛ کمی بیشتر و یا کمتر. طی چند سال اخیر در سینمای ایران کمدی جواب داده است. تقریباً همه فیلم‌های کمدی پرفروش شده‌اند و تماشاگر دست رد به سینه کمدی سازها نزده است. از بی‌مزه‌ترین کمدی‌ها مانند «بله برون» و «شارلاتان» فروخته‌اند تا فیلمی مانند «مکس» که می‌توان در لحظاتی از آن واقعاً از ته دل خندید. «آتش‌بس» هم چه بی‌مزه و چه بامزه یک فیلم کمدی است و فیلم کمدی می‌فروشد. سابقه نشان داده میزان فروش به مقدار مزه بستگی ندارد. پس «آتش‌بس» هم می‌فروشد. میلانی در «آتش‌بس» بیشترین میزان برد را از هوشمندی‌اش در انتخاب لحن فیلم کسب کرده است. شعارهای همیشگی و بیانیه‌های اعتراض‌آمیز ضدمرد فقط در یک قالب کمدی قابل تحمل هستند. میلانی اگرچه سعی کرده در فیلمش حرف‌هایی جدی بزند، اما «آتش‌بس» فیلمی جدی نیست و به همین دلیل است که می‌فروشد. مردم در این دوره و زمانه حوصله حرف‌های جدی را ندارند.

■ فیلم دست اول

عده بسیاری معتقدند اگر «آتش‌بس» در جشنواره فجر دیده می‌شد، فروشش به این حد نمی‌رسید. بکر ماندن و دست نخورده شدن این فیلم در جشنواره باعث شد تا در زمان نمایش عمومی خیلی‌ها به دور از پیش‌داوری‌ها و یا پس‌داوری‌ها به تماشای فیلم جدید تهمینه میلانی بروند. برای برخی از فیلم‌ها نمایش و شرکت در جشنواره فجر یک سم مهلک محسوب می‌شود. «آتش‌بس» نیز در زمره همین آثار است تنها تعداد معدودی فیلم هستند که نمایش و شرکت در جشنواره به اکران عمومی آنها کمک می‌کند. به لیست پرفروش‌های چند سال اخیر نگاهی بیندازید. نشانی از این آثار در جشنواره فیلم فجر مشاهده نخواهید کرد.

■ پخش خوب، فروش خوب

بسیاری از فیلم‌ها از نوع پخش در سینماها ضربه خورده‌اند و نتوانسته‌اند به فروش مورد نظر دست یابند. بسیاری از فیلم‌ها هم با پخش خوب توانسته‌اند به‌رغم بسیاری از کاستی‌های کیفیتی به فروش بالایی برسند. «آتش‌بس» پخش خوب و استانداردی (البته در حد سینمای ایران) داشت. تبلیغات محیطی مناسب، تیزرهای تلویزیونی، سینماهای متعدد و نیز استفاده از رسانه‌ها به خصوص مطبوعات و خبرگزاری‌ها به عنوان ابزار تبلیغاتی باعث شد تا «آتش‌بس» پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران شود.

■ کم هزینه اما پرفروش

همانطور که پیش‌تر هم اشاره شد، برای ساخت فیلم آتش‌بس هزینه زیادی صرف نشده است. این فیلم در مقایسه با چند ساخته قبلی میلانی، به لحاظ ساختاری اثر جمع و جورتر و راحت‌تری بوده است. دو فیلم قبلی تهمینه میلانی (زن زیادی و واکنش پنجم) آثاری جاده‌ای به شمار می‌رفتند که عمده ماجراها در جاده و کوه و دشت اتفاق می‌افتاد. اما بیشتر سکانس‌های آتش‌بس داخلی هستند و ماجراها در لوکیشن‌هایی ثابت می‌گذرد. از همه مهمتر اینکه در عمده سکانس‌ها تنها دو بازیگر بازی دارند و تنها با دو شخصیت قصه جلو می‌رود. فیلم در اکثر صحنه‌ها بر دیالوگ استوار است و میلانی به‌جز هدایت چند بازیگر اصلی‌اش کار چندان سختی نداشته است. تازه با وجود چند اسپانسر در فیلم که به تناوب محصولاتشان را مستقیم و غیرمستقیم تبلیغ می‌کنند، بخشی از هزینه‌های فیلم از پیش جبران شده است. به‌نظر می‌رسد عمده هزینه خرج شده در فیلم آتش‌بس، صرف آوردن دو ستاره اصلی (محمدرضا گلزار و مهناز افشار) شده است.

زوج تهمینه میلانی و محمد نیک‌بین این‌بار بیشترین سود را از همکاری مشترکشان برده‌اند. فیلمی نه چندان پرهزینه که عالی می‌فروشد و در اکران اول تهران به‌راحتی به سوددهی می‌رسد.

■ پرفروش بی‌صدا

با اینکه آتش‌بس تبدیل به پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران شده است، اما در مقایسه با دیگر آثار پرفروش سینمای ایران، اثری کم‌سروصدا و کم‌حاشیه بوده است. هرکدام از آثار پرفروش سالیان گذشته دارای حاشیه‌های مخصوص به خود بوده‌اند و اکران پرسر و صدایی داشته‌اند. فیلم‌هایی مانند مارمولک، دوئل و مکس در سال‌های اخیر و کلاه قرمزی و پسرخاله، عقاب‌ها و... در سال‌های قبل‌تر به عنوان آثاری پرفروش مطرح بوده‌اند و در زمان ساخت یا اکران به نوعی جریان‌سازی کرده‌اند. اما آتش‌بس از این قاعده مستثنی بوده است. فیلم در سکوت خبری ساخته شده است. اکرانش هم آرام و بدون سر و صدای لازم برای فیلمی که قرار است عنوان پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران را یدک بکشد، بوده است. آتش‌بس به همان علت همیشگی فیلم‌های تهمینه میلانی، کمی بحث‌انگیز شده است. باز هم او و فیلمش به جانبداری یک‌طرفه، غیرمنطقی و مضر از زنان محکوم شده‌اند. همین و فقط همین. اما آتش‌بس با توجه به فروش خوبش، طی یکی دو سال آینده به الگوی ساخت تعداد قابل‌توجهی فیلم تبدیل خواهد شد. پس اگر در آینده با موجی از فیلم‌های زن و شوهری به سبک آتش‌بس برخوردید، زیاد تعجب نکنید. فقط خدا کند سازندگان این نوع فیلم‌ها بی‌خیال قسمت‌های مربوط به فمینیست و فمینیست‌بازی قصه شوند.